

درجه

نظری به جایگاه موسیقی در فیلم

از آنجایی که سینما هنری جامع است و از بسیاری فنون و هنرهای دیگر وام می گیرد طبعاً در قیاس با هنرهای دیگر کیفیت و شکوه متفاوتی دارد و هر یک از هنرهای دیگر که در شکل گیری آن همکاری دارند خلایق حاشیان باید به نوعی با یکپارچگی با مجموعه به نتیجه برسند. آنچه به عنوان یک تعریف از موسیقی فیلم نزد افرادی که آشنایی بیشتری با سینما دارند وجود دارد ، با تعریف مخاطبین عادی سینما متمایز است.در حقیقت آنچه زیر پوسته فیلم جریان دارد و به صورت موسیقی در آن لایه ها فعالیت می کند در گوش ایشان کمتر شنیده می شود.موسیقی هر کشوری باید متناسب با فرهنگ آن کشور طرحی و ساخته شود، بنابراین مناسبی ندارد.
شده برای فرهنگ غرب در شرق شاید چندنان کاربرد مناسبی ندارد.
در سازبندی های موسیقی فیلم های امروز کشورمان از سازبندی های غربی مثل سازهای کیباز و انواع پرکاشن ها - سازهای ضربی- استفاده می شود و اغلب هم ریشه در سازهای اصیل گذشته مثل ریاب که ساز ایرانی است، دارد و با سازهای مانند ویولن که غربی است به عنوان یک ساز اصلی ورود پیدا کرده است. آن وقت هر قدر هم خط ملودی ایرانی باشد، با سازهای غربی صدا دهی غربی خواهد داشت و به همین دلیل با ساختار فیلم و فرهنگ ایرانی مطابقت ندارد ضمن این که ملودی های ساخته شده هم ایرانی نخواهد بود.برای اینکه بدانیم جایگاه موسیقی در فیلم چیست باید گفت، در صحنه هایی که حس بازیگر، دیالوگ، نور، گرمی، رنگ تصاویر و یا سکوت ها حس صحنه را القا نمی کند، یک موسیقی خوب می تواند همه این کاستی ها را جبران کند. در بعضی از کارهای ملودی و ریتمیک، موسیقی حتی از عوامل اصلی فیلم اهمیت بیشتری دارد.می توان به جرأت گفت که بسیاری از بازیگرها هم مطرح دنیا خودشان آهنگسازان خوبی هستند، حتی کارگردان ها اغلب اشرف کاملی به موسیقی دارند. موسیقی می تواند لایه های نهفته یک فیلم را شفاف سازد. شاید در روزهایی که سینما هنوز زبان باز نکرده بود، سینماگران بر خلاف حاکم بر فیلم هایشان آگاه بودند. فیلم های سراسر سکوت آنها توانایی خود برانگیختن احساسات تماشاگران را نداشت. پس در اولین اقدام جو پر از سکوت فیلم را با پخش موسیقی در خلاء آن شکستند و موسیقی به نوعی مکمل داستان نویسی فیلم های صامت و اولین موضوع شنیداری در سینما شد. موسیقی زنده که با توجه به موضوع فیلم اجرایی شد، موسیقی صحنه را دو چندان می کرد. در واقع در اواخر قرن نوزدهم و ابتدای قرن بیستم زمانی که سینمای ناطق هنوز متولد نشده بود ، موسیقی ابزار بیانی سینما بوده و زمانی که نه از دیالوگ خبری بود و نه از افکت صوتی، این موسیقی بود که یک تکت بهار شنیداری فیلم را بر دوش می کشید و تاسال ها چنین تصور می شد که زبان گفتاری سینما برای پوشاندن هر گونه خلاء کافی است. اعتقادی که البته بعدها با شنیدن موسیقی با شکوه فیلم ها و تأثیر عمیق شان روی تماشاگر از بین رفت. موسیقی در لایه های زیرین یک فیلم، فعالیتی مرموز و شگفت انگیز دارد و به این شکل که بدون



حضور فیزیکی در فیلم ، نقش بسیار پر رنگی در جهت دهی احساسی به مخاطب را بازی می کند. موسیقی توانایی آن را دارد که به تنهایی تماشاگر برسد، سر شوق بیاورد، بگریاند یا حتی مضطرب کند. موسیقی همچنین توانایی آن را دارد که به مخاطب پیش فرضیه هایی درستی با گمراه کننده بدهد. برای مثال باید به کدام شخصیت فیلم مفتون شویم، در کدام صحنه ها منتظر اتفاق یا حادثه باشیم و حتی برخی اتفاقات فیلم را با کمک موسیقی درک یا پیش بینی کنیم. ساخت موسیقی فیلم مرحله ای بسیار دشوار است؛ دشوار از آن جهت که برای سازنده موسیقی در شرایط عادی محدودیتی وجود ندارد اما نوع گونه سینمایی اثر قصه و دنیای حاکم در آن محدوده های تنگ و مرزبندی شده و ابرای یک آهنگساز پدید می آورد. در اختیار داستان بودن کار را برای آهنگساز دیگر حساس می کند. اینجاست که آهنگساز فیلم، به استعداد، فرحت و تجربه ای فراتر از یک موسیقیدان که در عرصه هایی بدون محدودیت و نیایی رها مشغول ساختن آهنگ است نیاز دارد. در حقیقت آهنگسازی برای فیلم یک رشته کاملاً تخصصی به حساب می آید و آهنگساز باید اشرافی کامل بر چارچوب داستانی و آگاهی دقیق از پیام اثر و حال و هوای حاکم بر آن داشته باشد، تا بتواند که آهنگسازان فیلم معتقدند، یک موسیقیدان که در عرصه سینما کار می کند باید بیش از آن که برداشش موسیقایی اش متکی باشد بر دریافت شهودی اش از فیلم آنکا کند. اینکه دنیای موسیقی تا چه حد توانسته در سینما نفوذ کند و تا کجا پیش رود، سوالی است که سینمای موزیکال می تواند پاسخگویی آن باشد. پهنه هنر موسیقی تاجیلی در عالم سینمایپیش می رود که منجر به تولید گونه ای به نام سینمای موزیکال می شود.سنگ بنای ساخت فیلم های اینگونه سینمایی حتی به لحاظ داستانی هم کاملاً وابسته به موسیقی شان است. سینمای موزیکال قدیمی ترین گونه سینمایی است، گونه ای که در آمریکا و سینمای هالیوود متولد شد و به سرعت در کشورهای اروپایی گسترش یافت.در سالهای بعد از جنگ جهانی دوم و در دوران جنگ سرد، درست زمانی که مردم با مشکلات اقتصادی و عواقب ویرانگری پس از جنگ دست به گریبان بودند، نیاز به شاد بودن و سرخوشی و امیدبیش از هر زمان دیگری احساس می شد و ناگفته نپیداست در چنین شرایطی فیلم های موزیکال می توانستند کارآمدتر از هر گونه سینمای دیگر باشند و تماشاگر خسته و سرخورده اروپایی و آمریکایی را به سمت سینما بکشاند و برای ساعاتی وی را از عالم جنگ زده واقعی دور و به سمت شهر رویاها و شادی ها ببرد، البته این سینمای امید بخش از هر زمان دیگری احساس می شد و ناگفته مخاطب و دنیای فیلم شاد و بی خیال اکتفا نکرد و در این گونه سینمایی نیز آثار بسیار با ارزشی تولید شد، در نهایت باید پذیریم که سینمای ایران در عرصه موسیقی فیلم چندین پیشرفت نداشته است و شاید یکی از دلایل این عدم پیشرفت، خود سینماست.

در روزگاری که ستاره های سینما طلب دستمزدهای آنچنانی می کنند و دستمزدشان چندین برابر یک آهنگساز است، در سینمایی که اغلب کارگردانان آن بیش از هر چیز به فروش فکر می کنند نباید از موسیقی هم به تنهایی توقع و انتظار پیشرفت معجزه داشت.

چهارشنبه ۱۳۷۸ آذر ۲۸

آفتاب

طنز نفتی!

گزارشی از سومین جشنواره طنز مکتوب و حاشیه هایش

محمدعلی مؤمنی



که آن معترضین، شال و کلاه می کردند، شبانه می رفتند پشت در فیفا می خوابیدند تا صبح که فیفا، طنز ما را به حالت تعلیق در می آورد، این هم که نشدنی است. چون در طول روز ما چندین سخنرانی استماع می کنیم!حالا که چنین سالی در کار نیست، جشنواره بر اساس کلام مینا، کارشان را سرسامان می دهد؟ فراخوان جشنواره مرداد ۸۷ منتشر شد تا طنازان که این روزها حسایل احساس می کنند همه از دم طنزپرداز شده اند

در چهار رشته شعر، نثر، داستان کوتاه و فیلمنامه آثارشان را ارسال کنند. برای جلوگیری از هرگونه شک و شبهه، داوران از بین اساتید و برجستگان این عرصه انتخاب شدند. اما در همین برهه بود که این آموزه کلدی به ذهن همگان خطور کرد که تبیین که می گوید، بین چه می گوید؟ کم اتفاق می افتد مثل جشنواره فیلم کمدی گل آقا که حاشیه نداشته باشد و همه از آن اظهار رضایت کنند. تاحدی که فرهاد توحیدی آن را مردمی ترین و سالم ترین جشنواره در سالهای اخیر عنوان کرد.اختتامیه جشنواره براساس آداب و رسوم خاص ایرانیان آغاز شد؛ تاخیر در آغاز مراسم به مدت ۶۰ دقیقه، این بخش یکی از مردمی ترین بخش های جشنواره بود! بعد طنزپردازان داخل سالن رفتند تا مقراری از بدقولی و تاخیر در برنامه های آنهاها و مراکز دیگری انتقاد کنند. خلاصه اینکه عده ای دور هم جمع شدند، گفتند و خندیدند. البته طبق روال یک عده نه تنها نخندیدند، بلکه اصلا نخندیدند. واقعا شناس آورده ایم تالارهای ۱۰۰هزار نفری نداریم، مگر قرار است در هر جشنواره به چند نفر جایزه بدهند؟! حالا بگو به ۵۰ نفر، منهای ۱۰۰ هزار نفر، مگر شرکت واحد چند تا اتوبوس دارد؟ بی حکمت نیست

که دیگر سالن های بزرگ نمی سازند!پیشگیری مقدم بر درمان است.ما اگر سالن ۱۰۰ هزار نفری داشتیم حتما یک فبایی هم در کار بود

محمدعلی مؤمنی

شماره ۲۵۰۸

طنز نفتی!

محمدعلی مؤمنی

مگر داریم؟ داوری بخش داستان کوتاه طنز را منوچهر احترامی، محمدرقی ضیایی و دکتر مسعود کیمیایر که عهده داشتند که یکصدا حرفشان این بود که تو آدم بشو نیستی* به نویسندگی سمیه رشیدی اول است.اتوبوس مهدی ضعیفی نژاد هم دوم شد. عباس حسین نژاد هم سوم شد با چند داستان خیلی کوتاه، یکی از آنها را بخوانید: سهراب پیامک فرستاد: باباجان! پس کی می آیی که تو را ببینم؟ رستم پاسخ فرستاد: من هم دوست دارم تو را ببینم پسرم، فقط فردا را باید با پهلوان سرزمین توران کشتی بگیرم. بعد ادر بخش فیلمنامه طنز، ناصر هاشم زاده، حسین معزونی‌نا و محمود عبداللهی از مرگ بازی خوششان آمد پس جایزه اول را دادند به نویسنده این کار عباس صادقی زربتی. حامد تاملی را که باتان هست؟ ۵ تا سکه آن طرف، ۴ تا هم این طرف. مگر آدم از طنز چه چیز دیگری می خواهد؟ آنجا به کارگاه آموزشی برمان. نیا گردو بخور نام فیلمنامه اوست که دوم شد.سایرج افشاری اصل هم با جرم خنده سوم شد. جشنواره بخش ویژه ای داشت با موضوع تروریسم. البته باید اعتراف کنیم که این روزها، هم بحث تروریسم داغ است و هم بحث تروریسم. حالا اینکه چرا تروریسم را انتخاب کردند تا تروریسم؟ شاید به این خاطر باشد که احساس کرده اند خطرش از ایضت تروریسم کمتر است.

سعد نوری هم با این نوع تربیت اش سوم شد:
بچه که بوم به من آموختند
فحش نباید بدهی گوسفند
ایرانیان بی برنامگی است که به زیبایی اجرا شد.
شاعری سه شعر خواند و گروه موسیقی مدت طولانی دل ای دل ای کرد.
اواسط برنامه فهرست را برای تغییراتی کوچک بیرون بردند، وقتی آمدند ختم جلسه را اعلام کردند و جایزه دادند و در کنار یکدیگر به خوبی و خوشی زندگی کردند! البته به همین راحتی هم نبود. بخش اهدای جوایز اهمیت استراتژیکی دارد.در بخش شعر، ابوالفضل زربویی نصرآباد، سیدعلی میرافضلی و اسماعیل امینی گل کاشتند. البته مستحضر هستید که این سه، سالها پیش اول شده اند و جایزه هایشان را هم گرفته اند و حالا رفته اند برای جام جهانی. منظور این است که گل کاشتند با انتخابشان! نفر انتخابی اول، محمد مجتبی احمدی بود که بانداهای او نوشته است طوفانی.فرصت نشد تا با بانداه اش را در بخش نثر طنز بوند. اگر داوران بخش شعر باید بروند جام جهانی، جناب مجردزاده کرمانی کجا باید برود؟ بالاتر از جام جهانی هم

ارژنگ حاتمى، فیلمنامه: اگر می تونی اونو بگیر، نوشته مهرداد صدیقیو ودر بخش داستان نیز نجیب ترین تروریست های علمی نوشته فرزین پورمحبوبی برگزیده شدند. جناب بنیایان رئیس حوزه هنری که از قضا مدرک دکترها هم دارد البته نه از آکسفوردی اش) در مراسم اختتامیه در سخنانی از طنزپردازان خواست، وقت تقسیم برای مسئولان در نظر بگیرند و به فرهنگ مردم براندازند. حامد حبیبی یکی از راه یافتگان به مرحله نهایی در ویلاکش نوشته است: طنز مکتوب بدون اعلام قبلی و بدون دعوت از راه یافتگان به دور نهایی، پشت درهای بسته برگزار شد. لایه برای اینکه تاکتیک های تیم برای روز مسابقه لورود، اسامی برندگان علیرغم میل باطنی داوران و مسئولان این مسابقه بی سابقه به اطلاع عموم رسید. مصطفی حسن زاده دیگر برگزیده جشنواره هم نوشته است: جشنواره مشکلات زیادی داشت، از جمله اطلاع رسائی اش... داوری هم کاملا مشخص بود، شاید چیزی در این باره نوشتم.

سایه بلند کمدی بر دغدغه های جنگ و اجتماع؛ مرور کارنامه سعید سهیلی

پتانسیل بخش اعظم فیلم را بر دوش می کشد ولی آنچه رنالیسیم فیلم را تحت تأثیر قرار می دهد، اغراق در پرداخت شخصیت ها و دیالوگ هاست. سهیلی علاقه خاصی دارد که کاراکترها خودشان را به نحوی مستقیم افشا کنند و با این تعاریف کمتر شخصیت خاکستری می توان در فیلم هایش پیدا کرد. «چهار انگشتی» به نویسندگی، کارگردانی و تهیه کنندگی سهیلی در سال ۸۵ ساخته شد و بدون نمایش جشنواره ای در سال ۸۶ به اکران می‌رود. درامد، بهرام رادان، جمشید هشتم پور، لالا واتادی و اندیشه فولادوند از بازیگران فیلم هستند. رادان در این فیلم در دو نقش پلیسی و قاچاقچی مواد مخدر به ایفای نقش پرداخته است. فیلم را شاید بتوان از حیث ساختار روایتی در امتداد دو فیلم قبلی تارا و تب توت فرنگی و سنگ، کاغذ، چیچی محسوب کرد. فیلمی که با فاصله گرفتن از دغدغه معمول سهیلی یعنی پرداختن به آدم های جنگ و سنگ، کاغذ، چیچی هم مانند فیلم قبل خود تا حدی از ساختار خطی فاصله گرفته و می توانند با این شیوه ابتدای فیلم و موقعیت سازی بخش مابنی را واجد ریتمی مناسب کند. به علاوه در این فیلم هم به تم مورد علاقه خود در تحلیل آدم های جنگ در زمان حال می پردازد. معرفی جهان، رفیق و نامزدش در بخش ابتدای انجام و فیلم به سرعت وارد فاز عملیات گروگانگیری می شود. هر چند این بخش زمینه چینی است برای موقعیت کلیدی فیلم یعنی حضور در آسیایرگانه جابازان را و تقابل قهرمان دیروز و ضدقهرمان امروز، اما پرداخت و چگونگی رسیدن به این موقعیت به گونه ای است که رسیدن به این موقعیت درجه اول اهمیت را پیدا می کند. این وجوه در مقابل ساختار به شدت نمایشی فیلم رنگ باخته و از ناآیسی می تواند با این فصل ابتدای فیلم و حضور گروه گروگانگیران و رئیس کارخانه شغیعی جمع، فتحعلی اویسی، بهاره رهنما، رضا فیض نوروزی، مهراڻ رحیمی، شهرام قادری، مینا جعفرزاده، ساعد سهیلی و مژگان بیات در این فیلم بازی کرده اند. «چارچنگولی» از چهارشنبه ۲۹ آبان ماه در گروه سینمایی عصرجدید جایگزین سه نژ شده است.

سعيد سهیلی که فیلم سینمایی «چارچنگولی» را بر پرده سینماها دارد کار خود را از دفاع مقدس آغاز کرد، به روابط سیاه حاکم بر اجتماع و مضامین روز جامعه رسید و بالاخره کمدی را به عنوان تازه ترین دغدغه انتخاب کرده است. سهیلی فعالیت هنری خود را از حوزه هنری خراسان با تئاتر و فیلمسازی آغاز کرد. او ۹ فیلم در مقام نویسنده و کارگردان در کارنامه هنری خود دارد و توان شن جواد شفقدری تنها فیلمنامه ای است که سهیلی با همکاری فیلمسازی دیگر به نگارش درآورد است. وی هر چند از دفاع مقدس آغاز کرده اما باز خورد حضور آدم های جنگ در جامعه معاصر به نوعی برخاسته از دغدغه شخصی اوست. بزرگ نمایی لکه های سیاه و نقاط منفی فضای موجود و نوعی بی‌ردگی در طرح موضوع از ویژگی های است که چه خوب و چه بد در مجموعه آثارش دیده می شود. در این میان توجه تازه این فیلمساز به کمدی که با معطوف بر تضادهاست می تواند نقطه عطف کارنامه او محسوب شود. مردی شبیه باران» سال ۷۵ ساخته شد. فیلمی برای بازشناسایی حضور رزمندگان ایرانی در اسارتگاه‌های عراق که قصه یکی از فرماندهان را که دچار موج گرفتگی شده محور قرار می دهد. در چنین فیلمی آنچه از سهیلی به عنوان امضا، پای کار مانده، تکیه بر خشونت، شکنجه اسرای ایرانی ... است که البته حضور ابوالفضل پورعرب که جوان اول فیلم های آغاز این دهه بود، در نقش این فرمانده اسیر موجی به نوعی با جسارت اغراق شده سهیلی همخوانی پیدا کرده است. مردی از جنس بلور» سال ۷۷. موضوع حضور رزمندگان دیروز در جامعه پس از جنگ ساخته شد. فیلمی که آرام آرام حرکت سهیلی را به سوی سینمای اجتماعی محسوب کرد. حضور ابوالفضل پورعرب با هم در نقش رزمنده جانباز دیروز و مهتاب کرامتی در نقش نامزد سابق او که از اولین فعالیت های سینمایی کرامتی است، از نکات برجسته فیلم است. فیلم با طر ای یک کلاف به هم پیچیده از توطئه، قتل، خیانت و ... در انتها رزمنده جانباز را به شهادت و قاتل اصلی را به چوبه دار می سپارد. سهراب» به فاصله یک

هنر

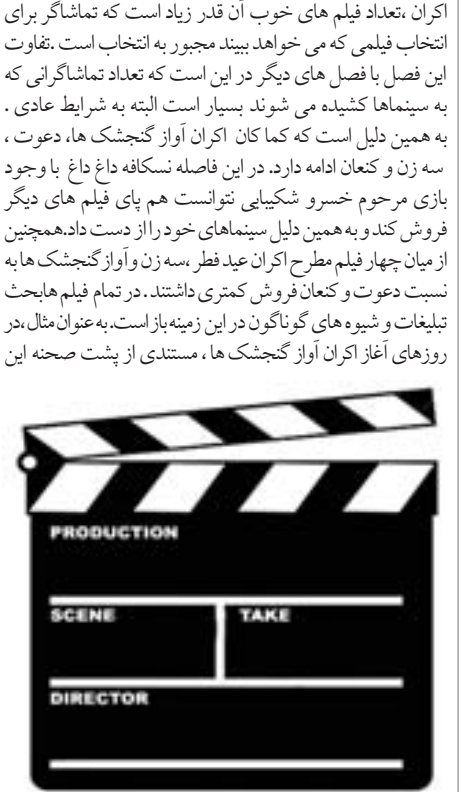
نیم نگاه

نیم نگاهی به اکران فیلم ها بر روی پرده

نقره ای سینما

۴ مردان آشفته

برای تشخیص موفقیت تجاری یک فیلم باید ارقام فروش را از هفته سوم پیگیری کرد.تا دو هفته ،درصد بالایی از میزان فروش یک فیلم متعلق به تماشاگرانی است که فقط به قصد کنجکاوکی به سینما رفته اند و از هفته سوم است که می شود درباره محبوبیت یک فیلم قضاوت کرد.فیلم هایی که فروش شان در هفته سوم سقوط نکند،حتما با تماشاگران ارتباط برقرار کرده اند.اما در غیر این صورت یک فیلم ممکن است درهفته های اول و دوم، به لطف تیزرها و آنونس های جنابش یا ابزارهای تبلیغاتی دیگر، تماشاگران را به سینما بکشاند.اما خود فیلم است که از هفته سوم تبدیل به بهترین تبلیغ می شود.اکران عبد فطر ،مثل اکران نوروزی اهمیت فراوانی دارد و فیلم های خوش شناسی می توانند در این مدت زمان بیشتری روی پرده سینما ها می ماند و استقبال تماشاگران باعث طولانی تر شدن زمان نمایش شان می شود. اگر دقت کنید متوجه خواهید شد که فیلم های اکران شده در این دو فصل (نوروز،بازر زنگی، مجنون لیلی ، زن دوم و در پاییز: دعوت،کنعان ،آواز گنجشک ها و سه زن) مهمترین فیلم های تجاری سال هستند. البته تا زها فرشته اند (شهرام شاه حسینی) و همیشه پای یک زن در میان است (کمال تبریزی) را نیز باید به لیست این فهرست اضافه کرد که در فصلی غیر از نوروز و پاییز اکران شدند.درباره این فیلم ها وزمان نمایش شان هم می توان در فرصت فیلم شان در شرایطی که رقیب مهمی وجود ندارد می ارزیدینی دیگری صحبت کرد. بسیاری از تهیه کنندگان و پخش کنندگان معتقدند که از دست دادن فصل های طلایی اکران ،به نمایش فیلم های روی پرده، فیلمی که انتخاب می کنند که نسبت به بقیه پر سر و صدار باشد.(فیلم کمال تبریزی در کنار فیلم های اکران شده ای که تماشاگر عام رغبت چندانی به دیدن آن ها ندارد). این روش گاهی جواب می دهد و گاهی جواب نمی دهد.اما در فصل طلای اکران ،تعداد فیلم های خوب آن قدر زیاد است که تماشاگر برای انتخاب فیلمی که می خواهد ببیند مجبور به انتخاب است. تفاوت این فصل با فصل های دیگر در این است که تعداد تماشاگرانی که به سینماها کشیده می شوند بسیار است البته به شرایط عادی. و به همین دلیل است که کما کان اکران آواز گنجشک ها، دعوت، سه زن و کنعان ادامه دارد. در این فاصله نسکافه داغ با وجود بازی مرحوم خسرو شکیبایی توانست هم پای فیلم های دیگر فروش کند و به همین دلیل سینماهای خود را دست داد.همچنین از میان چهار فیلم مطرح اکران عبد فطر ،سه زن و آواز گنجشک هابه نسبت دعوت و کنعان فروش کمتری داشتند. در تمام فیلم های بحث تبلیغات و شیوه های گوناگون در این زمینه باز است.به عنوان مثال در روزهای آغاز اکران آواز گنجشک ها ، مستندی از پشت صحنه این



فیلم به مدت چهل دقیقه از تلویزیون پخش شد که اتفاق بی سابقه و جالبی بود که البته آن را باید به فال نیک گرفت .اما یک سوال در این جا پیش می آید که چرا این فرصت در رقابت تکتانگ فیلم های اکران عبد فطر ،فقط باید نصیب یک فیلم شود؟شاید برای بسیاری از تماشاگران سینما و بننده های تلویزیون دیدن پشت صحنه فیلم مثل دعوت که به روایت تیزر های تبلیغاتی اش متفاوت ترین فیلم ابراهیم حاتمى کيا است ،در نوع خود می توانست جذاب باشد.که البته بدون پیش داوری امیدواریم اگر مسئولان تلویزیون شامل حمایت از فیلم های بر روی پرده سینما را دارند لطف شان شامل یک فیلم نشود، بگذریم،در آبان ماه میانه (اکبر خواجوی) روی پرده سینماها رفت. این فیلم رامی توان اثر موقی دانست البته نسبت به فیلم های قبلی این کارگردان اسفنجی.این فیلم دروهله اول به دلیل موضوع جالبش مورد توجه قرار گرفته است و سپس حضور بازیگران جوانش می تواند به موفقیت تجاری آن کمک کند. شهاب حسینی و الهام حمیدی پس از نچه های ابدی پوران درخشنده، باز در کنار هم در نقش های اصلی فیلم خواجوی ایفای نقش کرده اند که امیدواریم استقبال خوبی از آن شود و پس از منچا، خواب زمستانی (سایمک شایقی) اکران شد که در این مورد در جریان فیلم های فرهنگی شناس بیشتری برای اکران پیدا کرد. اجرای این طرح که هر چند سال یکبار به جریان می افتد بار دیگر قصد حمایت از فیلم های متفاوت ، آغاز شده و خواب زمستانی نخستین فیلمی است که در قالب این طرح اکران می شود. اما جالب اینجاست که اثر قبلی شایقی «ارتقا ۲۰۰۶» هنوز اجازه نمایش ندارد. خوب از نظر اقتصادی و خوب در جذب تماشاگر که طور همزمان از سال ها پیش رواج داشته اما در دهه اخیر بزرگترین اتفاق در این مورد زمانی می افتد که مارمولک (کمال تبریزی) و کارلارش (مهران) روی پرده بوند و هر دو به فروش نجومی دست یافتند. از آن موقع به اشتیاق تهیه کنندگان برای اکران فیلم هایشان همزمان با اکران فیلم های رقیب در فصل های خوب بیشتر شد.

البته همان طور که گفته شد یکی دیگر از محسنتات اکران پاییز این است که به تدریج ثبت شده طولانی تر زمانی که فیلم هائی توانند روی پرده سینما بمانند نیز در همین فصل است .اما در نهایت اینکه از چند هفته آتی هم خبر های رسمی سینمای ایران به سمت آمده سازی جشنواره فجر پیش می رود .و اینکه کم کم چه فیلم های پر فروش و کم فروش جای خود را به فیلم های جدید خواهند داد.